

بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)

حسین نمازی فر^۱

صالح سعادت^۲

چکیده: حجاب یکی از مسلمات دین و ضرورت‌های شریعت اسلامی است که در جامعه اسلامی ما، علاوه بر جنبه اعتقادی و دینی آن، به صورت قانونی که برای همه بانوان با اعتقادات متفاوت، لازم الاجرا است، درآمده است. البته این مسأله امروزه با انگیزه‌ها و شیوه‌های گوناگونی مورد چالش قرار گرفته است. یکی از این چالش‌ها این است که در قانون ایران با آن که حجاب برای زنان اجباری بوده و بی‌حجابی نوعی جرم محسوب می‌شود اما فاقد تعریفی مشخص و بدون ضابطه معین بوده و تاکنون حدود و ثغور حجاب مد نظر نظام به صورت قانونی تعریف و تبیین نشده است. از آنجایی که راه حل قانونی رفع اجمال و ابهام از مواد قانونی، با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری، رجوع به منابع معتبر فقهی است، لذا این تحقیق درصدد است که با بررسی ماهیت و دلایل حجاب اسلامی از آیات و روایات، و الهام‌گیری از مبانی فکری حضرت امام خمینی ضمن ارائه طرحی برای پوشش بانوان در دولت اسلامی که منبعت از متون و نصوص دینی است، با تعریف روشن و جامع از حجاب، از قوانین موضوعه رفع ابهام و اجمال کرده و در کنار آن با تبیین عناصر تشکیل‌دهنده این جرم آن را جرمی مسلم قلمداد کند. در آخر مقاله نیز پیشنهاداتی جهت اصلاح وضعیت فعلی حجاب در کشور داده شده است.

کلیدواژه‌ها: جرایم منافی عفت، حجاب، پوشش، جرم مطلق، جرم مشهود.

e-mail:h.namazifar@yahoo.com

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

e-mail:Saleh_saadat@yhaoo.com

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۳ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۳ مورد تأیید قرار گرفت.

طرح بحث

جرائم منافی عفت به جهت تعرض به حیات مادی و معنوی انسان‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. اما با مراجعه به قانون می‌بینیم که مقنن تعریفی از جرائم منافی عفت ذکر نکرده است و حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نداده است، تا بر آن مبنا بتوان جرائم منافی عفت را شناخت. در نتیجه عناصر کلی تشکیل دهنده این جرم‌ها مشخص نیست و قانونگذار صرفاً برخی از مصادیق آن را در فصل هیجدهم کتاب *قانون مجازات اسلامی* نام برده و تشخیص دیگر مصادیق را به عهده خود قاضی گذاشته است.

از جمله مواردی که قانون به آن اشاره کرده و موضوع مورد بحث ما نیز است. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی است که مقرر داشته است: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

بحثی که در اینجا پیش می‌آید این است که قانونگذار در این تبصره، تعریف معین و روشنی از حجاب ارائه نداده است تا مشخص شود مراد از حجاب شرعی که زنان ملزم به رعایت آن هستند، چیست؟ همین امر باعث اجمال و ابهام ظاهری ماده قانونی مربوطه شده است. لیکن با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدون، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد و همچنین با توجه به ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی دادگاه باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد باید با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید.

همان‌طور که دیدیم راه حل قانونی رفع اجمال و ابهام با استناد به دو ماده فوق‌الذکر، رجوع به منابع معتبر فقهی است؛ لذا با توجه به این موضوع، نوشتار حاضر درصدد است ابتدا با تبیین ماهیت و دلایل حجاب شرعی از منابع معتبر فقهی، مخصوصاً آرای امام خمینی به تعیین کیفیت و حدود آن پرداخته و رعایت حجاب شرعی در حکومت اسلامی را بنا بر اصل اولی بر همه مسلمانان

ضروری بدانند و سپس با بررسی عناصر تشکیل دهنده جرم در مورد عدم رعایت حجاب شرعی آن را یک جرم مسلم تلقی نمایند.

ورود به بحث

شارع مقدس جهت ایجاد جامعه سالم انسانی و هماهنگی با نظام هستی، شاخصه‌هایی را برای رفتار و روحيات بشر بیان کرده و آنان را به سوی بایدها و نبایدهایی دعوت می‌کند. از جمله این بایدها حفظ حدود و حریم‌های عمومی و خصوصی است که حجاب یکی از مصادیق بارز آن است.

کلمه «حجاب» از ماده «حجب» است و در لغت به معانی ذیل می‌باشد:

۱. «مانع» الحجب و الحجاب، المنع من الوصول (مانعت از رسیدن به چیزی) (راغب اصفهانی ۱۴۰۴: ۱۰۸؛ قرشی ۱۳۶۱ ج ۲: ۱۰۴) کلمه حاجب که در ارث استعمال می‌شود از همین معنا اخذ شده است.

۲. پنهان کردن (قرشی ۱۳۶۱ ج ۲: ۱۰۴).

۳. «پرده و پوشش» (ابن منظور ۱۴۰۵ ج ۲: ۵۱؛ راغب اصفهانی ۱۴۰۴: ۱۲۱) که بیشتر به معنی پرده به کار می‌رود و از آن جهت که پرده مفهوم پوشش را می‌رساند به معنی پوشش نیز به کار رفته است. البته باید دانست که هر پوششی حجاب نیست بلکه پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

در معنای عرفی حجاب نیز می‌توان از معنای لغوی تبعیت کرده و گفت: از نظر عرف پوشش به این معناست که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را پوشانده و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. حجاب در اصطلاح اهل عرفان عبارت است از آنچه حایل و مانع میان طالب و مطلوب باشد و آنچه مانع تجلی حقایق شود.

اما در معنای فقهی، از آنجایی که در آیات و روایات مربوطه لغت حجاب به کار نرفته است آنچه نزد فقها در بحث کتاب الصلوة و کتاب النکاح رواج داشته، واژه «ستر و ساتر» به معنای «پوشش و وسیله پوشش زن در مقابل نامحرمان» است. «مستورات» به معنای زنانی هستند که دارای پوشش و ستر هستند (احصائی ۱۴۰۳ ج ۱: ۲۷۲). به نظر می‌رسد بهترین واژه برای رساندن مفهوم حجاب همین واژه «ستر» باشد که هم می‌تواند پوشش در عمل و هم به معنای پوشش در ظاهر باشد و رعایت حجاب در فقه، نه فقط درباره پوشش ظاهری و پوشش اندام، بلکه درباره تمامی اعضا و

جوارح، مانند چشم و گوش ضروری دانسته شده است. در مباحث آتی به طور کامل به بررسی در این موارد خواهیم پرداخت.

اما از لحاظ حقوقی و قانونی، قانونگذار در هیچ یک از متون و مواد قانونی حجاب شرعی را تعریف نکرده و علمای حقوق در بیان تعریف آن، به آیات قرآن و فقه مراجعه کردند. با این توصیف، در ادامه، ضمن بررسی دلایل و مستندات وجوب حجاب، حدود و کیفیت آن را نیز بررسی خواهیم کرد.

وجوب حجاب شرعی برای زنان از مسائلی است که تمام فقهای شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند (شهیدثانی ۱۴۱۰ ج ۷: ۴۶؛ محقق حلی ۱۳۷۷: ۴۳).^۱ برای مثال علامه حلی می نویسد:

فی ستر العورة، فهو واجب فی الصلاة و غیرها و لا یجب فی الخلوۃ الا فی الصلوۃ و هو شرط فیها فلو ترکه مع القدرة بطلت سواء کان منفرد او لا... و بدن المرأة کله عورة یجب علیها ستره فی الصلاة الا الوجه و الکفین و ظهر القدمین و یجب علی الحره ستر رأسها (مروارید ۱۹۹۰ ج ۴: ۹۱۱).

ایشان با اضافه کردن «غیرها» در واقع حجاب زن مسلمان در غیر نماز را نیز به مثابه حجاب در نماز دانسته است. شهید اول در این مورد می نویسد: «ستر القبل و الدبر للرجل و جمیع البدن عدا الوجه و الکفین و ظاهر القدمین للمرأة...» (شهید اول ۱۳۷۷: ۱۲۴). در کتاب معتبر الفقه علی مذاهب الخمسه هم آمده است: «... فیما یجب ان تنسره المرأة عن الرجل الاجنبی و قد اتفقوا علی ان جمیع یدهن عوره فی هذه الحال ما عدا الوجه و الکفین» (مغنیه بی تا: ۱۰).

امام خمینی هم در این مورد می نویسد:

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حادی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند (امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۸۴).

دلیل اصلی فقها بر ضرورت حجاب برای زنان نصوص صریح کتاب الهی است که به بیان مهم ترین آیات وارد در این باب می پردازیم:

۱. همچنین ر.ک. به: (ابن حزم ۱۳۵۲ ج ۱۰: ۳۲؛ شافعی ۱۹۸۳ ج ۱: ۱۰۹؛ امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۲۳۱).

۱- خداوند در آیه ۳۰ سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه بعد (۳۱) به زنان مسلمان فرمان می‌دهد از نگاه خیره به یکدیگر و چشم چرانی اجتناب کنند و در رعایت پوشش بدن از نامحرم کوشا باشند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...^۱

در کتاب *کافی* در شأن نزول نخستین آیه از آیات فوق، از امام باقر^(ع) چنین نقل شده است: جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد - و در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می‌شد - چهره آن زن، نظر آن جوان را به خود جلب کرد، و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد، دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته است! سخت ناراحت شد و با خود گفت: به خدا سوگند من خدمت پیامبر^(ص) می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا^(ص) به او افتاد، فرمود چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل پیک وحی خدا، نازل شد و آیه فوق را آورد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ج ۱۴: ۴۶۷-۴۶۶).

با دقت در این آیات درمی‌یابیم که شارع مقدس در این آیات در کنار بیان ضرورت و وجوب حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی، به بیان حدود این پوشش نیز پرداخته و مردان و زنان را به

۱. ترجمه: رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلح است... ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا بپوشند) و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهرانشان....

غَضَّ بَصْرَ امْرُوءٍ كَرِهَهُ اسْت. غَضَّ (بر وزن خَزَّ) در لغت به معنی «فرو کاستن» (راغب اصفهانی ۱۴۰۴: ۳۶۱) و در اصطلاح به معنای «کاهش دادن نگاه و ترك النظر» است یعنی خیره نگاه نکنند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ج ۱۴: ۴۶۷). در *مقاییس اللغة* آمده است: کاهش دادن نگاه، از آن جمله است قول آنها که می گویند: امر کرد نگاهش را کوتاه کند. بنابراین غَضَّضَهُ به معنای کوتاه کردن است (رازی ۱۳۸۹ج ۴: ۳۸۳). این معنا از واژه غَضَّ را در آیات نیز به روشنی می توان یافت. برای مثال در آیه ۳ سوره حجرات آمده: «إِنَّ الَّذِينَ يُغَضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ...»، یعنی آنان صدای خود را در حضور پیامبر (ص) کوتاه و ملایم می کنند. از مجموع آنچه گفته شد برمی آید که غَضَّ بَصْرَ عبارت از کم کردن نگاه و خیره نشدن است و در واقع این آیه زن و مرد را از نگاه خیره و تند شهوانی که همراه با ریه است، نهی می نماید.

پس قرآن ابتدا بحث نگاه را مطرح کرده است، زیرا نگاه عامل اصلی انتقال احساس و سقوط در وادی گناه می باشد و سپس گوشزد می کند که با نگهداری چشمهایتان، عفت خود را حفظ کنید. بعد از ذکر این نکته، وارد بحث اصلی و مورد نظر این نوشتار یعنی حجاب شده و می توان گفت که به طور کلی این آیه درصدد بیان سه نکته اساسی است:

اول: لزوم پوشی دگی سر و گردن

واژه «خمر» که در آیه به کار رفته به معنی روسری و سرپوش است (طریحی ۱۴۱۶ ج ۳: ۲۹۳؛ قرشی ۱۳۶۱ ج ۲: ۲۹۹) که به عنوان وسیله ای برای پوشانیدن، مانند مقنعه می باشد. صاحب *اقرب الموارد* در این مورد می نویسد: روپوشی که چیزی را بپوشاند خمار گویند (شرتونی اللبانی ۱۴۰۳: ۳۰۱) و خمار زن پوششی است که به وسیله آن سر خود را می پوشاند. پس به روسری و مقنعه که زنان مسلمان برای پوشاندن سر و گردن مورد استفاده قرار می دهند خمر گفته می شود (شیخ طوسی ۱۴۰۹ ج ۷: ۴۳۰؛ طبری ۱۴۱۲ ج ۱۸: ۹۴؛ راوندی ۱۴۰۵ ج ۲: ۱۲۹؛ طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۱۵: ۱۱۲). و به شراب از آن جهت خمر گفته می شود که روی عقل را می پوشاند. از فرهنگ های لغت چنین برمی آید که منظور از واژه «جیوب» نیز در اینجا، قسمتی از بدن است که شامل قلب و سینه و گریبان می شود (طریحی ۱۴۱۶ ج ۲: ۲۸).

بنابراین خُمُر عبارت است از مقنعه ها که جمع خمار است و زن با آن سر خود را می پوشاند. طریحی در وجه تسمیه مقنعه به خمار می نویسد: وجه تسمیه مقنعه به خمار بدین لحاظ است که سر

به واسطه آن پوشیده می‌شود. «اختمرت المرئنه» یعنی مقنعه‌اش را پوشید و سرش را پوشاند. بنابراین در این آیه زنان امر شده‌اند که مقنعه‌ها (سرپوش‌ها) را بر سینه‌هایشان بیفکنند تا آن را بپوشانند. در کل با توجه به شأن نزول آیه و مطالب مذکور درباره واژه‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که قبل از نزول آیه زنان سرپوش‌های خود را به پشت سر می‌انداخته‌اند، که با این نحو پوشاندن سر، سینه‌ها و گردن‌هایشان ظاهر و آشکار بوده است، که با نزول این آیه مأمور شدند سرپوش‌های خود را طوری بیندازند که موها و گردن‌ها و سینه‌ها نیز پوشانده شود (طبرسی ۱۳۸۳ ج ۷: ۱۳۸؛ طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۱۵: ۱۲). به عبارتی، زنان مأمور شدند که روسری‌های خود را بر روی سینه بیفکنند تا دور گردن و سینه آنها نیز علاوه بر موهایشان پوشیده شود و خداوند با به کار بردن واژه‌های «یضربن... علی» که معمولاً مبالغه در القا را می‌رساند درصدد تأکید بر حجاب کامل بوده است. به این صورت که سر و گردن و موهای آنها باید کاملاً پوشیده و از نگاه نامحرمان پنهان بماند. صاحب *روائع البیان* در این مورد می‌نویسد: لفظ «ضرب» مبالغه در تحفظ و پوشش را می‌رساند و این با «علی» متعدی شده است زیرا معنای افکندن را دربردارد و مقصود آیه این است که روسری را بر سینه بیفکند تا گردن و سینه ظاهر نشود (صابونی ۱۴۰۷ ج ۲: ۱۴۴).

با این توضیح پاسخ این شبهه نیز داده می‌شود که بعضی گفته‌اند، در آیات حجاب هیچ‌گاه مسأله پوشش مو مطرح نگردیده است و شاید خواسته‌اند بگویند که پوشاندن مو امری الزامی نیست، اما مطابق آنچه در تفاسیر این آیه آورده شد قبل از نزول آیه، زنان موهای خود را می‌پوشانده‌اند، ولی اطراف روسری‌های خود را پشت سر می‌انداخته‌اند که با آمدن این آیه علاوه بر پوشاندن مو، موظف به پوشاندن گردن‌ها و سینه‌ها نیز شدند.

دوم: لزوم پوشش زینت‌ها

برخی با توجه به «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» گفته‌اند: ابداء به معنی اظهار بوده و زینت نیز عبارت است از چیزهایی که سبب تزین و تجمل شود خواه ظاهر باشد مثل جامه‌های نفیس، خواه باطن باشد مثل خلخال و انگشتری و حلقه. آنچه حرام است نمایاندن خود زینت‌ها می‌باشد (جرجانی ۱۳۶۲ ج ۲: ۳۶۰). برخی دیگر قائلند که ابداء به معنی آشکار نمودن است و مقصود از «زِينَتُهُنَّ» در آیه، مواضع زینت است زیرا آشکار نمودن خود زینت به تنهایی مثل (دستبند و انگو) حرام نیست. پس منظور از نمایان ساختن زینت، ظاهر کردن مواضع و جایگاه زینت است (علامه

طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۱۵: ۱۱۱). به نظر می‌رسد بهتر است بگوییم که مراد از آشکار نساختن زینت این است که هم آشکار نمودن زینت آلات و هم جایگاه آنها، هر دو، بر زن حرام می‌باشد. این معنا، به وضوح بر ممنوعیت هر نوع آرایش و خود آرایشی و خودنمایی از طریق زیور آلات، در مقابل نامحرمان دلالت دارد و زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری آشکار می‌شود، پنهان سازند. البته این آیه گروهی را تحت عنوان محارم از این قاعده استثنا کرده که آشکار کردن زینت‌ها در برابر آنها مشکلی ندارد و در این مورد فقها اکثراً متفق القولند که استفاده از زینت‌های پنهان برای زن در حضور نامحرم (چه در انظار عموم و چه در محیط‌های خصوصی) حرام است و همچنین از نظر آنها نه تنها استفاده از وسایلی مانند گردنبند، انگشتر و دستبند که عرفاً به آنها زینت آلات می‌گویند در زیر نگاه نامحرم حرام است بلکه پوشیدن لباس‌هایی با رنگ چشمگیر را نیز نوعی زینت به حساب آورده‌اند اگرچه تمام بدن را بپوشاند (حکیم ۱۴۰۶ ج ۵: ۲۴۱) همچنین، ظاهر کردن هر آنچه را که در نظر عرف زینت و آرایش زن محسوب می‌شود در برابر مرد نامحرم جایز ندانسته‌اند. امام خمینی هم مینا در زینت را عرف دانسته و می‌فرماید: هر چیزی که عرفاً زینت محسوب شود، و در عرف مردم بر آن زینت اطلاق کند حرام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۲۲ مسأله ۴).

سوم: لزوم حفاظت از عورت

سومین موردی که این آیه به آن اشاره دارد حفاظت زنان از فرجشان در برابر دیدگان نامحرمان است. البته باید گفت که مفاد اخبار و روایات وارده این است که حفظ فرج در هر جای قرآن به معنای حفظ از زناست. اما در این آیات استثنائاً به معنای حفظ از نظر و نگاه کردن است. از جمله روایاتی که حفظ فرج را به معنی ستر عورت گرفته، روایتی است از امام صادق (ع) که از ایشان در مورد این آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ...» سؤال شد و فرمودند: هر جا در قرآن کلمه حفظ فرج آمده است مقصود حفظ از زناست جز در این دو آیه که به معنای حفظ از نظر است. بنابراین مقصود در این آیات وجوب ستر عورت است و از آنجایی که فقها کل بدن زن را در حکم فرج و عورت زن محسوب می‌کنند (و ان النساء عوره) بنابراین پوشاندن و حفظ کل بدن بر زن واجب است. البته به غیر از وجه و کفین که بنابر قول مشهور به واسطه دلیل خاص از این عموم خارج شده است (علامه حلی ۱۴۱۰: ۳۱؛ محقق حلی ۱۳۷۷: ۴۳). برخی بر این امر ادعای اجماع نیز کرده‌اند (شیخ طوسی ۱۳۸۷ ج ۱:

۸۷: محقق حلی ۱۴۰۷ ج ۲: ۱۰۱). علامه حلی نیز ادعای عدم خلاف کرده و می‌نویسد: «بلاخلاف بین من یحفظ عنه العلم» (علامه حلی ۱۴۱۲ ج ۴: ۲۷۱) شیخ طوسی در این مورد می‌نویسد: «اجمعوا انّ الوجه و الکفین لیساً بعورة لجواز اطهارها فی الصلاه» (شیخ طوسی ۱۴۰۹ ج ۷: ۴۲۹). البته پوشاندن صورت و دستها بر زن در حالت عادی واجب نیست، ولی اگر در دستان و یا صورت زن زینتی باشد، یا نامحرم با قصد تلذذ یا ریه به صورت و دستهای او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب است که پوشیده شود (طباطبایی یزدی ۱۴۲۳: ۵۱۰). همچنان که از مفهوم عبارات حضرت امام در مسائل ۱۸ و ۲۳ *تحریر الوسیله* همین نتیجه قابل استنباط است که: پوشاندن صورت و دستها بر زن واجب نیست، مگر در شرایطی که در دستان و یا در صورت زن زینتی باشد، یا نامحرم با قصد تلذذ و یا ریه به دستهای او نگاه می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۷۰۰-۶۹۹).

به نظر می‌رسد فلسفه استثنای وجه و کفین از قاعده کلی حجاب این باشد که پوشانیدن این دو موجب حرج شده و زن چاره‌ای ندارد که با دو دستش اشیاء را بردارد یا بگیرد و همچنین چهره اش را بگشاید خصوصاً در مقام شهادت و در محاکمات و در ازدواج (زمخشری ۱۴۰۷ ج ۳: ۲۳۰). اما دلیل خاص فقها بر عدم لزوم پوشش صورت و دستها روایاتی است که در این مورد وارد شده است (حر عاملی ۱۴۰۲ ج ۱۴: ۱۴۶-۱۴۵) از جمله:

الف) روایت مسعدة بن زیاد قال: «سمعت جعفرأ علیه السلام و سئل عما تظهر المرأة من زینتها، قال: الوجه و الکفین»، از حضرت درباره مقداری که زن می‌تواند آن را ظاهر کند سؤال شد، حضرت فرمودند: صورت و دستها (طبرسی ۱۳۸۳ ج ۴: ۱۳۸).

ب) روایت ابی الجارود عن ابی جعفر^(ع): «فی قوله تعالی "وَلَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا" فهی الثیاب و الکحل و الخاتم و خضاب الکف و اللسوار و الزینة ثلاث زینة للناس و زینة للمحرم و زینة للزوج فأمّا زینة الناس فقد ذکرناه» حضرت در بیان استثنای «الّما ظهر منها» می‌فرماید: آنچه استثناء شده لباس، سرمه، انگشتر و حنای دست و انگو می‌باشد و در ادامه می‌فرماید: زینت سه قسم است: یکی برای مردم، یکی برای محارم، یکی برای زوج. زینت مردم همان است که ذکر کردم؛ یعنی همان مفاد استثناء. در نتیجه صورت و دست استثناء شده‌اند (حر عاملی ۱۴۰۲ ج ۱۴: ۱۴۵).

ج) روایت عایشه: «ان اسماء بنت ابی بکر دخلت علی النبی^(ص) ثیاب رقاق فاعرض عنها و قال: یا اسماء ان المرأة اذا بلغت المحیض لم یصلح ان یری منها الا هذا و اشار الی وجهه و کفه صلی الله

علیه وآله» حضرت به اسماء فرمودند: بدن زن بالغ نباید دیده شود مگر صورت و دستهایش. روایت صراحت در عدم لزوم پوشش صورت و دست دارد (حرعاملی ۱۴۰۲ ج ۱۴: ۱۷۲).

د) علاوه بر اینها روایات دیگری وجود دارد که بر جواز نگاه کردن به صورت و دست زن دلالت می‌کنند که بالملازمه عدم لزوم پوشش صورت برای زن را می‌رساند چون اگر نگاه کردن جایز باشد معلوم می‌شود که پوشش نیز واجب نیست (حرعاملی ۱۴۰۲ ج ۱۴: ۲۳۱؛ ج ۲: ۷۱۲-۷۱۰). برای مثال: «عن مروک بن عبید عن بعض اصحابنا عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ما يحل للرجل ان یری من المرأة اذا لم یکن محرماً؟ قال: الوجه و الکفان و القدمان» (آلوسی بی تاج ۱۸: ۱۴۱). حضرت می‌فرمایند مرد می‌تواند به صورت و دو کف دست و قدم‌های زنان نامحرم نگاه کند.

۲- اما دومین آیه، آیه ۵۹ سوره احزاب می‌باشد که به آیه جلاباب معروف است. در آنجا خداوند از سر خیرخواهی و رحیمیت دستور استفاده از جلاباب به عنوان وسیله‌ای برای پوشش را به زنان مسلمان می‌دهد و می‌فرماید: «یا ایها النبیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفْنَ فَلَآ یُؤْذِیْنَ وَ کَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا رَحِیْمًا». اعلامه طباطبایی در مورد شأن نزول این آیه می‌نویسد: در تفسیر قمی در ذیل آیه «یا ایها النبیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ» از معصوم نقل کرده که فرموده: سبب نزول این آیه چنین بود، که زنان از خانه بیرون می‌شدند تا به مسجد آیند، و دنبال رسول خدا (ص) نماز بخوانند، و چون شب می‌شد، و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون می‌آمدند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند، و متعرض ایشان می‌شدند، که خدای تعالی این آیه را نازل فرمودند (طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۱۶: ۳۳۹).

واژه «جلباب» در تعیین حدود حجاب، نقش مهمی دارد و بازشناسی دقیق آن به چگونگی بحث در محدوده پوشش تأثیر فراوانی خواهد داشت. برای جلاباب معانی مختلفی در کتاب‌های لغت و تفاسیر ذکر شده است برای مثال: آنچه از بالا تا به پایین را بپوشاند مانند چادر، یا هرلباسی که زن آن را روی لباس‌هایش بپوشد مانند روپوش. پس جلاباب، ملحفه و لباس بالایی و چادر مانند است، نه فقط روسری و خمار (قرشی ۱۳۶۱: ماده جلاباب). برخی گفته‌اند جلاباب لباسی است واسع که اوسع از خمار بوده و کمتر از ردا، که زن آن را بر سر خود می‌پيچد و فاضل آن را بر سینه

۱. ترجمه: ای پیامبر، بگو به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنین که فرو گیرند بر خود از جلابیب. این نزدیک‌تر است برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

فروود می آورد (ابن منظور ۱۴۰۵ ج ۱: ۲۷۲). پس جلباب، لباس گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را پوشانده و پوششی است که روی سرتاسر بدن را می پوشاند (طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۱۶: ۳۳۹). همچنین گفته شده جلباب به روسری خاصی که بانوان در حین کار خارج از منزل، سر و روی خود را با آن می پوشانند اطلاق می شود (شیخ طوسی ۱۴۰۹ ج ۸: ۳۶۱؛ طبرسی ۱۳۸۳ ج ۷: ۵۷۸).

روایت‌هایی هم که واژه جلباب در آنها به کار برده شده بیش تر این گونه‌اند: «فلیخذ للفقیر جلباباً» یا «للفاقه جلباباً» که در تمامی موارد می توان جلباب را به معنای پرده در نظر گرفت. برای مثال در این روایت آمده است: «قال: سلمان فكأنها البسنا جلباب المذله» (علامه مجلسی ۱۴۰۳ ج ۱۰: ۵۵ ح ۲) جلباب به معنی پرده ذلت بوده و در این روایت نیز: «من القی جلباب الحیاء عن الوجهه فلا غیبة له» (علامه مجلسی ۱۴۰۳ ج ۷۵: ۲۳۳ ح ۱) به معنی پرده حیاء می باشد... و پرده هم چیزی است که تمامی بدن را می پوشاند و با این معنی برای جلباب، روایت‌ها جایگاه خود را از لحاظ معنی خوب پیدا می کنند.

با توجه به تمام مطالب فوق‌الذکر می توان گفت که مراد از جلباب در آیه شریفه، از نظر اکثر واژه‌شناسان و لغویان چادر و یک لباس سرتاسری است که البته در زمان‌های بعدی، به لباس گشادی که بیشتر بدن را در خود می گیرد و می پوشاند نیز جلباب می گفته‌اند به طوری که کم کم به هر دو معنی گسترش یافته است.

«یدنین» از «ادناء» به معنای نزدیک کردن گرفته شده است. در تفاسیر آمده که ادناء به معنای نزدیک کردن است. برای مثال «ادنایی» یعنی مرا نزدیک کرد یا هنگامی که روپوش از صورت زنی کنار رود گویند: «أدنی ثوبك علی وجهك» صورتت را با لباست بپوشان (طبرسی ۱۳۷۷ ج ۳: ۳۳۲). معمولاً هرگاه ادناء همراه با «علی» بیاید معنای آویزان و رها کردن می دهد (آلوسی بغدادی بی تا ج ۱۲: ۱۲۷) که در این آیه شریفه هم به معنی آویختن به کار رفته است. بنابراین معنای کل عبارت این است که زن‌ها جلباب را به دوش خود بیندازند و صورت و اطراف بدن خود را با آن بپوشانند. به هر حال اگر جلباب را به معنی چادر یا پوشش سرتاسری بدن در نظر بگیریم و یدنین نیز به معنی آویختن آن بر سر باشد، پس این آیه درصدد بیان این نکته است که زنان هرگاه از خانه بیرون می روند باید جلباب یا چادری را بر سر بیندازند به صورتی که همه بدن را بپوشانند. اما این پوشش نیز نباید صرفاً جنبه تشریفاتی و رسمی داشته باشد. به عبارتی، ظاهراً پوشیده ولی در واقع برهنه نباشند. همچنین این آیه به یکی از فلسفه‌های وجود حجاب نیز اشاره داشته و در مقام تشریح این حقیقت

بوده که زن مسلمان باید به طریقی در اجتماع معاشرت داشته باشد که حجاب و عفاف او همیشه او را از گزند و شرّ تعرض افراد سودجو و مزاحم در امان نگه دارد. فلذا، بخش عمده تأمین امنیت اجتماعی زنان در گرو داشتن حجاب و پوششی مناسب و در شأن یک بانوی با عفت و مؤمنه است.

نکته قابل توجه در آیه این است که خداوند حدود پوششی بیش از آنچه در سوره نور آمده را بیان می‌دارد. گویا خداوند برای همسران و دختران پیامبر (ص) و همسران مؤمنین، حجابی کامل تر و با دقت بیش تر را توصیه می‌نماید و آن پوششی سرتاسری است که از آن در تفاسیر به روپوش یا ملحفه یا چیزی همانند چادر تعبیر شده که به وسیله آن به طور سرتاسری اندام زن پوشیده شود و علاوه بر آن، می‌گوید که این پوشش سراسری را رها نکنند، بلکه آن را به خود نزدیک کنند و به تعبیر ما، خود را به طور کامل پوشانند تا به عفت و پاکی شناخته شوند و مورد آزار فاسقان قرار نگیرند. این همان حجاب برتر و کامل تر است که زنان با ایمان که در امر پوشش خود دقت بیشتری دارند آن را رعایت کنند.

۳- آخرین آیه، آیه ۳۳ سوره احزاب است که خداوند در آن می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»^۱.

منظور از «تبرج» ابراز زر و زیور و موارد زینت و زیبایی زن می‌باشد. ریشه آن از «برج» است که در برابر دیدگان همه ظاهر است (رازی ۱۳۸۹ ج ۱: ۲۳۸). صاحب‌العین در این مورد می‌نویسد: آنگاه که زن زیبایی‌های گریبان و چهره را بنمایاند، می‌گویند تبرج کرده است (فراهیدی ۱۴۱۰ ج ۶: ۱۱۵) و باز گفته شده که ماده برج به معنای ظهور و آشکار ساختن است لذا بر قصر مرتفع ساختمان بلند و همچنین بر زنی که زیبایی‌هایش را در مقابل نامحرم ظاهر می‌سازد، اطلاق می‌شود (مصطفوی ۱۳۶۰ ج ۱: ۲۲۷). بنابراین اصل معنای تبرج خودنمایی، خودآرایی و نمودن زیبایی‌ها در مقابل دیگران است و منظور از آیه این است که زن مسلمان نباید بنا بر عادت زنان جاهلیت نخستین، بیرون بیاید به طوری که زر و زیور خود را آشکار کرده و به تبختر و خودنمایی در راه رفتن پردازد (طبرسی ۱۳۸۳ ج ۸: ۵۵۷؛ قاسمی ۱۳۹۸ ج ۷: ۱۰۲).

۱. ترجمه: در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید (و بی‌حاجب و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید....

به طور کلی این آیه هم درصدد بیان این مطلب است که حجاب و پوشش زن باید به صورتی باشد که در برابر اجنبی منجر به خودنمایی و جلب توجه نشود و هرآنچه منجر به فتنه و فساد می شود بایستی از آن اجتناب شود. فقها در این مورد گفته‌اند: حجاب زن نباید لباس شهرت باشد و منظور از لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم ببوشد، توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می شود (صانعی ۱۳۸۰: ۲۲۵؛ امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۳۵؛ مسأله ۸۴۵). به عبارتی، یعنی نه تنها پوششی برای زن محسوب نشده بلکه موجب جذب نگاه‌های افراد نامحرم نیز می شود و ملاک تعیین کننده در لباس شهرت عرف آن زمان و مکان است؛ یعنی ملاک تعیین کننده این است که پوشش در نظر عرف جلب توجه کننده و مفسده برانگیز باشد (احمدی ۱۳۸۵: ۷۱). روشن است که حکمت نهی از چنین لباسی از جمله جلب کردن نظرها و متوجه ساختن مردان به زنان است. پیامبر (ص) در این مورد می فرماید: کسی که لباس شهرت ببوشد خداوند در روز قیامت از وی روی بگرداند.

بنابراین از نظر این آیه حجاب یک نوع پوشش اسلامی است که زن باید در هنگام معاشرت با نامحرمان بدن خود را پنهان کرده و به جلوه‌گری یا خودنمایی نپردازد. حجاب اسلامی در این آیه می تواند دارای دو بعد باشد: ایجابی (که وجوب پوشش بدن است) و سلبی (که آن نیز حرام بودن خودآرایی و ظاهر کردن خود بر اجنبی می باشد) این دو حتماً باید با هم و در کنار یکدیگر باشند تا حجاب مد نظر محقق شود. به طور کلی، در حجاب اسلامی باید در معاشرت زنان با مردان نامحرم یک حریمی به نام پوشش و حجاب وجود داشته باشد.

البته گاهی برخی از زنان دیده می شوند که در عین پوشیده بودن بدن، زیبایی هایشان آشکار است؛ به طوری که گویی اصلاً لباسی نپوشیده‌اند. این حجاب از حجاب مد نظر آیه به دور است و در همین راستاست که فقها به لزوم پوشانده شدن کل بدن زن به غیر از وجه و کفین، یعنی گردی صورت و از میچ دستان تا انتهای آن، قائل شدند. به عبارتی، همه جای بدن به منزله عورت و فرج زن محسوب شده و باید در مقابل اجنبی محافظت شود به غیر از وجه و کفین. زن در حفاظت از خود علاوه بر حفظ اندام و بدن خود، باید زینت‌ها و آرایش‌های خود را برابر دیگران آشکار نکرده و در ملاء عام به خودنمایی و جلب توجه نپردازد به طوری که موجبات گناه را هم برای خود و هم برای دیگران فراهم کند (علامه حلی ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۵؛ نجفی ۱۳۶۸ ج ۸: ۱۶۳).

با بررسی مختصری که در آیات و روایات مربوط به حجاب انجام دادیم، مشخص شد که این آیات و روایات در کمال صراحت بر وجوب حفظ حجاب توسط زنان دلالت دارند. در مورد چگونگی پوشش بانوان نیز به لزوم پوشش سر، گردن و سینه‌ها، و پنهان ساختن زینت‌هایی که به صورت طبیعی ظاهر و آشکار نمی‌باشد قائل شدیم. علاوه بر پوشش سر و گردن و سینه، جلباب که از آن به روپوش یا چادر یا... نیز تعبیر می‌گردد، لزوم پوشش سرتاسری بدن را به نحوی که حجم آن مشخص نباشد، روشن می‌سازد.

بنابراین به نظر می‌رسد برای ارائه یک ضابطه کلی در مورد کیفیت و حدود حجاب شرعی مورد نظر فقها که قانون هم بتواند بر طبق آن اعمال ماده مربوطه را بکند می‌توان گفت که مطابق فقه امامیه اگرچه زنان مسلمان در جامعه اسلامی امروزی در انتخاب لباس و وسیله پوشش خود مختار می‌باشند ولی این پوشش انتخابی باید دارای دو خصیصه کلی باشد:

الف) پوشاندن کامل بدن اعم از سر و گردن و سینه و سایر اعضا (البته به غیر از وجه و کفین که بنا بر دلیل خاص خارج شده است) به نحوی که تمام بدن از دید نامحرم پنهان بماند. البته این پوشش هم حتماً باید به نحوی باشد که رنگ بدن زن هم ضمن اعضا مستور شده باشد، به طوری که لباس حاجب آن گردد. بنابراین پوشیدن لباس‌های نازکی که الآن در بین برخی از زنان رایج شده به نحوی که رنگ بدن آنها نمایان می‌باشد حجاب محسوب نمی‌شود.

ب) لباس و پوشش زنان نباید نسبت به زمان و مکان جامعه اسلامی غیر متعارف باشد به نحوی که موجب انگشت نما شدن و مورد توجه قرار گرفتن آنها در برابر دیگران شود (لباس شهرت نباشد). بنابراین اگر زنی بدن خود را اگرچه با لباس ضخیمی پوشاند ولی لباس مورد استفاده آنقدر تنگ باشد که حجم بدن او را آشکار کند یا به هر طریق دیگری مانند پوشیدن مانتوهای خیلی کوتاه یا بلوز شلوار و... از حالت متعارف خارج شده و موجب جلب توجه قرار گرفتن زن در ملاء عموم شود، باز حجاب شرعی محقق نشده است. پس معیار در تعیین غیر متعارف بودن لباس و پوشش عرف همان زمان و مکان است.

نتیجه کلی اینکه حجاب زن باید به صورتی باشد که بدن زن را کاملاً پوشانده و از نظر عرف هم غیر متعارف و مفسده‌انگیز نباشد. البته ذکر این نکته لازم است که فقها از این اصل کلی قطعی، مواردی را استثنا کرده‌اند که عملاً محدوده ضرورت و ناچاری است و بنابر نظر آنها در این موارد بدون تردید حکم، جواز نگاه است، و در کل ملاک «ضرورت» می‌باشد. از جمله مقام

معالجه و آنچه متوقف بر معاینه کردن است مثل گرفتن نبض، تشخیص شکستگی، جراحی‌ها و... البته این در صورتی است که امکان تشخیص بیماری و درمان با استفاده از دیگر ابزار و وسایل پزشکی نباشد و حتماً باید لمس و نظر صورت بگیرد و همچنین امکان معالجه به وسیله هم جنس مریض هم نباشد (یزدی بی‌تاج ۲: ۸۰۴). امام خمینی در این مورد می‌نویسد: «یستثنی من حرمة النظر و اللمس - فی الاجنبی و الاجنبیة - مقام المعالجه... اذا لم یمكن بالمماثل...»: از حکم حرمت نگاه و لمس نامحرم، مقام معالجه استثناء شده هرگاه معاینه به وسیله هم جنس ممکن نباشد مانند نبض گرفتن. البته اگر به وسیله ابزار پزشکی مثل درجه و... ممکن نباشد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۶۹۹). مورد دیگر در باب ضرورت جایی است که نامحرمی در حال غرق شدن، سوختن و... است که در این موارد هم حکم، جواز نگاه می‌باشد (یزدی بی‌تاج ۲: ۸۰۴).

به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد از آنجایی که فقها لزوم حجاب را از نصوص صریح قرآن به دست آوردند، پس رعایت حجاب شرعی به طریقی که گذشت از ضروریات دین محسوب شده و اگر کسی اقدام به انکار آن کند مرتد محسوب شده و مستوجب مجازات می‌باشد. همچنان که امام خمینی نیز در این مورد می‌نویسد: اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد، و منکر ضروری محکوم به کفر است، مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست (امام خمینی ۱۳۷۶ ج ۳: ۲۵۳).

حال که حدود و ثغور حجاب شرعی مورد نظر فقه امامیه را که می‌تواند مبنای نظر نظام حاضر نیز باشد معین و تبیین کردیم، در ادامه درصدد هستیم تا با بررسی جرم و عناصر جرم ببینیم که آیا امکان دارد عدم رعایت حجاب شرعی را به عنوان یک جرم مسلم تلقی کرد یا نه.

آیا عدم رعایت حجاب شرعی جرم است؟

«جرم و جریمه» از «جرم» - به فتح جیم - گرفته شده که به معنی «قطع کردن» است. به قول راغب اصفهانی، اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است (راغب اصفهانی ۱۴۰۴: ماده جرم) و برای هر کس که کار زشت و مکروه انجام دهد استعاره شده است (فیض ۱۳۸۱: ۶۸).

۱. منظور از ضروری دین، امری است که اثبات وجود آن در دین نیازمند تأمل و استدلال نمی‌باشد بلکه به عنوان جزئی از دین می‌شناسد مگر کسی که تازه مسلمان شده است.

معنای اصطلاحی جرم از نظر فقها عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قولی که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است؛ یا ترک فعل و ترک قولی، که دین مبین اسلام آن را واجب شمرده، و بر ترک آن کیفری مقرر داشته است. این از آنجا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خداوند سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی معین شده و آن کیفر یا در دنیا گریبان گیر مجرم می شود (به وسیله امام^ع) یا نایب او، یعنی حاکم شرع و ولی امر و فقیه جامع الشرایط، یا قضات منصوب از طرف او به اجرا در می آید) یا در آخرت معذب خواهد شد و در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید، مگر آنکه توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خداوند قرار بگیرد (فاضل مقداد ۱۴۱۹ج: ۲: ۳۵۳).

بنابراین در کل جرم از نظر فقها عبارت است از: مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد، و هر جرمی را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است.

از نظر حقوقی مطابق ماده ۲ ق.م.اسلامی جرم، رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. به عبارتی دیگر، جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین شده است. لذا رفتار مجرمانه به طور مشخص باید در قانون پیش بینی شده باشد (گلدوزیان ۱۳۸۴: ۷۰؛ شامیاتی ۱۳۷۱ ج: ۱: ۲۰۵).

در حقوق جزای موضوعه، هیچ جرمی بدون اجتماع سه عنصر: قانونی (وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد)، مادی (تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه) و معنوی (رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد) محقق نمی شود (فیض ۱۳۸۱: ۸۵). به عبارتی، این عناصر سه گانه جنبه عمومی داشته و وجود آنها در کلیه جرایم الزامی است. پس عدم رعایت حجاب شرعی نیز برای اینکه بتواند جرم محسوب شود باید این سه عنصر را داشته باشد که در ادامه به ترتیب این عناصر را در بحث بی حجابی بررسی خواهیم کرد.

الف) از لحاظ عنصر قانونی

جرایم جزایی به طور دقیق و به صورت مواد قانونی توسط مقنن، تعیین شده و هریک ارکان مخصوص به خود را دارد. بنابراین جرم جزایی عبارت است از نقض متنی از متون خاص قانونی (شامیاتی ۱۳۷۱ ج: ۱: ۲۸۹).

صدر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی عنوان داشته است: «هر کس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد» و در تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

پس تبصره ماده ۶۳۸ عنصر قانونی جرم می‌باشد چون در این تبصره همچنان که اشاره شد برای رعایت نکردن حجاب اسلامی مجازات تعیین شده و با توجه به تعریفی که قبلاً از جرم ارائه شد این عمل جرم تلقی می‌شود.

ب) از لحاظ عنصر معنوی

برای اینکه جرمی محقق شود، صرف وقوع مصادیق آن در خارج کفایت نمی‌کند بلکه علاوه بر آن لازم است عامل از روی اراده مرتکب عمل شده باشد. به عبارت دیگر، برای تحقق جرم لازم است بین عملی که قانوناً قابل مجازات است و شخص عامل، رابطه روانی موجود باشد و آن رابطه اراده است (شامیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۳۵۱). پس عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد مجرمانه یا خطایی که مجرم در اثر آن جرم را مرتکب شده و با شرایطی مسئولیت جزایی متوجه او خواهد بود. در تحقق عنصر معنوی یا روانی جرم وجود دو عامل ضرورت دارد: اراده ارتکاب فعل و قصد مجرمانه.

باید بگوییم که در کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی به نوعی اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانونگذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند و از طرف دیگر اراده ارتکاب فعل نیز باید با قصد مجرمانه یا خطای جزایی توأم باشد و گرنه به علت فقدان عنصر روانی، عمل ارتکابی جرم تلقی نمی‌شود و به این اعتبار جرایم تقسیم شدند به جرایم عمدی و جرایم غیر عمدی. جرایمی که عنصر معنوی آنها سوءنیت یا قصد مجرمانه است مانند قتل عمدی، سرقت و... را جرایم عمدی می‌گویند. جرایمی را که عنصر معنوی آنها تقصیر یا خطای جزایی است، جرم غیر عمدی می‌گویند که از مصادیق خطای جزایی می‌توان به بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت اشاره کرد (گلدوزیان ۱۳۸۴: ۱۸۸).

به نظر می‌رسد جرم بی‌حجابی از جمله جرایم عمدی باشد چون مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیر قانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. البته لازم نیست که این قصد به منظور جریحه‌دار کردن عفت عمومی باشد، بلکه ممکن است عمل ارتكابی از روی غفلت یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالائی صورت گرفته باشد، هر چند فاعل قصد حاصل حرام را نداشته باشد. در مورد اینکه اراده در وقوع جرم بی‌حجابی به چه نحوی باید باشد باید بگوییم که جرایم با توجه به نقش اراده تقسیم می‌شوند به جرم مطلق و جرم مقید. چنانچه جرم مقید به ایجاد نتیجه‌ای باشد یعنی نتیجه‌ای که برای آن از سوی مرتکب در نظر گرفته شده حاصل شده باشد (مانند قتل که با سلب حیات از مجنی‌علیه تحقق می‌یابد) آن را جرم مقید می‌گویند؛ ولی اگر صرف انجام عمل مجرمانه صرف نظر از ایجاد نتیجه در نظر باشد (مانند نشر اکاذیب) آن را جرم مطلق گویند (شامیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۳۶۰). در مورد جرم بی‌حجابی باید گفت که این جرم از جمله جرایم مطلق است چرا که در این جرایم، سوءنیت عام که عبارت از اراده خود آگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه است کفایت می‌کند و نیازی به سوءنیت خاص نیست زیرا در جرایم مطلق، سوءنیت به اراده ارتکاب اعمالی که به نتیجه مجرمانه منتهی می‌گردد، منحصر می‌شود و چون حصول نتیجه از ارکان آن جرم نیست، اراده یا قصد به حصول نتیجه از عناصر سوء نیت به شمار نمی‌رود. بنابراین برای تحقق این جرم، اراده و سوء نیت عام بزهکار کافی بوده و صرف اینکه زنی با اختیار و التفات، حجاب شرعی را رعایت نکند بزهکار محسوب می‌شود.

ج) از لحاظ عنصر مادی

برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند، پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد و ابراز فکر برای ارتکاب جرم کافی نیست چرا که بسیاری از اشخاص قصد مجرمانه دارند ولی به نحوی از انحا (ندامت و پشیمانی و یا ترس از مجازات) هرگز آن را به مرحله اجرا نمی‌گذارند. بنابراین قصد ارتکاب جرم تا زمانی که مقرون به اعمال خارجی نشده و منتشر نشده و خللی در نظم اجتماع وارد نساخته قابل تعقیب نیست (شامیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۲۰۹).

در بیشتر موارد عنصر مادی جرم، یا به عبارت دیگر، رفتار مجرمانه به صورت عمل یا فعل مثبت است. ولی رفتار مجرمانه به صورت منفی یا ترک فعل نیز قابل تصور است. ماده ۲ ق.م.اسلامی صراحتاً بیان می‌دارد هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین

شده باشد جرم محسوب می‌شود به همین اعتبار جرایم از نظر عنصر مادی به جرم فعل و جرم ترک فعل تقسیم می‌شوند. جرم فعل عملی است که انجام آن توسط قانونگذار منع شده و برای آن مجازات تعیین شده است (مانند سرقت و قتل...). البته گاهی هم ممکن است جرم فعل مثبت، سخن یا قول باشد (مانند اهانت و ناسزا گویی...). مواردی هم وجود دارد که قانونگذار از نظر حفظ نظم عمومی برای افراد تکالیفی معین می‌کند که عدم انجام آنها جرم شناخته شده است. در این حالت جرم عبارت است از خودداری از انجام تکالیف محوٰله (گلدوزیان ۱۳۸۴: ۱۵۷؛ شامیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۳۵۲). به این موارد، جرم ترک فعل گفته می‌شود و از خصوصیات این جرایم، سهولت اثبات آنها می‌باشد چرا که این چنین جرایمی یک امر حدوثی نیستند که خلاف اصل عدم بوده و نیازمند اثبات باشد بلکه امری عدمی و موافق با اصل هستند.

از آنجایی که جرم بی‌حجابی عبارت است از عدم رعایت و ترک انجام یک تکلیف قانونی - که همان مراعات حجاب شرعی است - از جرایم ترک فعل محسوب می‌شود و به همین خاطر وسیله‌ای در تحقق آن مداخلیتی ندارد و هر وضعیتی که حجاب شرعی (که حدود آن را تعیین کردیم) را کفایت نکند جرم محسوب شده و از مصادیق جرم بی‌حجابی شمرده می‌شود. تطبیق این مصادیق بر عهده دادگاه گذاشته شده است.

ضمناً از نظر عنصر مادی و ادله اثبات، جرایم تقسیم می‌شوند به: جرم مشهود و غیر مشهود. جرم مشهود جرمی است که مرتکب در حین ارتکاب غافلگیر شده و دلایل و مستندات جرم مشهود باشد. اما جرم غیرمشهود جرمی است که مدت زمانی است که به ارتکاب رسیده و به دست آوردن دلایل و مستندات آن غیرممکن و یا غیرمسلم شده است (شامیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۳۶۲). در این مورد هم جرم بی‌حجابی از جمله جرایم مشهود به شمار می‌رود که با توجه به ماده ۲۱ آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری موظفند در صورت مشاهده وقوع جرم، هر اقدام مؤثر را برای حفظ آثار و علائم و مستندات جرم و همچنین هر اقدامی جهت جلوگیری از متواری شدن بزهکار را انجام داده و مجرم را توقیف کرده و به مراجع صلاحیت‌دار مربوطه تحویل دهند تا صدور حکم از سوی مرجع قضایی صالح نسبت به آنها انجام پذیرد، اصل بر آن است که در دادگاه‌های عمومی به این جرم رسیدگی شود، ولی در موارد خاصی که نیازمند احراز قضایی است، مرتکب این بزه ممکن است به عنوان متهم به فعل مخل امنیت داخلی یا افساد فی الارض در دادگاه انقلاب محاکمه شود.

نتیجه اینکه همه عناصر سه گانه قوام جرم در قوانین کیفری، در عدم رعایت حجاب شرعی وجود داشته و با توجه به آن مرتکبین جرم بی حجابی بنا بر تصریح تبصره ماده ۶۳۸ مجرم شناخته شده و مستوجب کیفر ذکر شده در ماده مشارالیه هستند. همچنین بحث معاونت در این جرم نیز مانند دیگر جرایم می باشد. برای مثال، اگر مردی با وسیله خود، زن بی حجابی را در معابری بگرداند برای نیل به اهدافی که هر دو آنها در سر می پروراند، معاونت در جرم کرده و مستحق مجازات می باشد (زراعت ۱۳۸۲ ج ۲: ۴۳۵). منظور از ارتکاب در انظار عمومی و معابر که در تبصره ماده فوق الذکر آمده، این است که عمل به طور علنی در مرئی و منظر عمومی واقع شود یا در مکانی که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب پنهان نمودن محل و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت. بنابراین ارتکاب جرم بی حجابی در پس کوچه ها و تاریکی شب مشمول ارتکاب عمل در علن خواهد بود و ضمناً از آنجایی که طبق ماده ۵ قانون مدنی ایران کلیه ساکنین ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران خواهند بود و به موجب مواد ۳ و ۸ قانون مجازات اسلامی، قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران (اعم از زمینی، هوایی و دریایی) مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. پس قوانین کیفری نسبت به کلیه زنانی که در قلمرو کشور مرتکب جرم عدم رعایت حجاب شرعی شوند صرف نظر از تابعیت مجرم یا مجنی علیها قابل اجراست و عواملی چون تابعیت یا مذهب در تحقق این جرم دخیل نمی باشد (گلدوزیان ۱۳۸۴: ۳۱). بنابراین اگر یک زن غیر مسلمان نیز در قلمرو حاکمیت دولت ایران بدون رعایت حجاب در معابر عمومی ظاهر شود مرتکب جرم شده است.

نتیجه گیری

- ۱- از جمله موارد مورد اتفاق و اجماع کلیه فرق اسلامی لزوم پوشانده شدن کل بدن به غیر از وجه و کفین (گردی صورت و از مچ دستان تا انتهای آن) که به دلیل خاص خارج شده است، می باشد.
- ۲- با بررسی آیات و روایات مربوط به حجاب دیدیم که این آیات و روایات علاوه بر تأکید بر وجوب حفظ حجاب توسط زنان به بیان چگونگی پوشش بانوان نیز پرداخته و قائل شدند به لزوم پوشش سر، گردن و سینه ها، و پنهان ساختن زینت هایی که به صورت طبیعی ظاهر و آشکار

نمی‌باشد و علاوه بر پوشش سر و گردن و سینه، جلباب که از آن به روپوش یا چادر یا ... تعبیر می‌گردد، لزوم پوشش سرتاسری بدن را به نحوی که حجم آن مشخص نباشد، روشن می‌سازد.

۳- از نظر فقها ضابطه کلی برای حجاب شرعی عبارت است از: الف) از پوشاندن کامل بدن به نحوی که تمام بدن از دید نامحرم به دور ماند به جز وجه و کفین؛ ب) لباس و پوشش زنان نباید نسبت به زمان و مکان جامعه اسلامی غیر متعارف باشد به نحوی که موجب انگشت نما شدن و مورد توجه قرار گرفتن آنها در برابر دیگران شود. بنابراین اگر زنی بدن خود را اگر چه با لباس ضخیمی بپوشاند ولی لباس مورد استفاده آنقدر تنگ باشد که حجم بدن او را آشکار کند یا به هر طریق دیگری مانند پوشیدن مانتوهای خیلی کوتاه یا بلوز شلوار و... از حالت متعارف خارج شده و موجب جلب توجه قرار گرفتن زن در ملاء عموم شود باز حجاب شرعی محقق نشده است.

۴- از نظر امام خمینی حکم لزوم حجاب و ستر زن به دلیل مستند بودن به نصوص صریح، ضروری دین محسوب شده و انکار فعلی یا قولی آن از اسباب ارتداد می‌باشد.

۵- از نظر قانونی نیز در صورتی که این حد و حدود از طرف زنی رعایت نشود او مجرم شناخته شده و قابل مجازات می‌باشد و متهمان به یکی از مجازات‌های مذکور در تبصره ماده ۶۳۸ محکوم می‌شوند. تعیین مقدار دقیق مجازات، بر عهده قاضی می‌باشد و این جرم نیز مانند دیگر جرایم، مشمول تخفیف یا تشدید مجازات، سقوط و تعلیق مجازات و دیگر احکامی می‌شود که برای عموم مجازات‌های تعزیری وجود دارد.

پیشنهادات

۱- آوردن این عنوان در ادامه تبصره ماده ۶۳۸ «و منظور از حجاب شرعی عبارت است از پوشاندن تمام بدن به غیر از دست‌ها و صورت، و این پوشش باید به نحوی باشد که موجب جلب توجه هم نباشد» تا بدین وسیله کسانی که ادعای اجمال و ابهام ماده مذکور را می‌کنند دیگر بهانه‌ای نداشته باشند.

۲- اقدامات سطحی و کوتاه مدت نهادهای مربوط مثل قوه قضاییه و برخورد ضعیف نیروی انتظامی با متخلفین بی‌حجابی از بزرگ‌ترین مشکلات حال حاضر به حساب می‌آید. برای مثال امروزه دیده می‌شود که هر از گاهی طرحی تحت عنوان «مبارزه با بی‌حجابی یا طرح عفاف» در سطح جامعه اجرا می‌شود که علاوه بر عملکرد ضعیف و جدی نگرفتن این طرح از سوی بسیاری

از دست اندرکاران، همچنین به خاطر موقتی بودن و عدم برخورد جدی از سوی مسئولین، نتیجه آنچنانی در پی نداشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که به جای چنین اقدامات موقت و سطحی باید به سراغ برنامه‌های دراز مدت رفت که با تثبیت همراه هستند. برای مثال قانونگذار می‌تواند بعد از یک تعریف جامع از بی‌حجابی در جامعه این اجازه را به مقامات مرتبط بدهد که برای همیشه و در هر حال بتوانند با متخلفین برخورد کنند، نه اینکه فقط طی یک مدت موقت که آن هم آنقدر از سوی رسانه‌ها نسبت به اجرای آن تبلیغ می‌شود که متخلفین آگاهانه و برای یک مدت معینی که مطمئن هستند به اتمام خواهد رسید نسبت به رعایت آن اقدام می‌کنند، در حالی که اگر این طرح همیشگی باشد آنها هم مجبور می‌شوند به نوعی خود را با این مسأله وفق دهند و در همین راستا به کارگیری مستمر و منظم گشت‌های محسوس و نامحسوس مخصوص ارشاد به وسیله نیروی انتظامی برای بازداشت متخلفین و تحویل آنها به دادسرا و رسیدگی خارج از نوبت و فوری به این جرم پیشنهاد می‌شود.

۳- باید بگوییم در تعزیرات شدیدترین مکانیزم رسمی برای حمایت از یک ارزش و هنجار اجتماعی، ضمانت اجرای کیفی است. از دیرباز دولت‌ها برای حفظ ارزش‌های مورد تأکید خود، نقض آن ارزش‌ها را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده‌اند. اعمال کیفر می‌تواند برای کسانی قابل توجه باشد که اندیشه جرم را در سر می‌پروراند و مرتکب را نیز از ارتکاب مجدد باز می‌دارد. دولت اسلامی نیز در راستای این مکانیزم و مصلحتی که در جامعه اسلامی حاکم است به جرم انگاری بی‌حجابی در جامعه پرداخته، و در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. دولت با تعیین مجازات برای یک هنجارشکنی، ارزش و اهمیت آن هنجار را در جامعه اعلام می‌کند و چنانچه مجازات تعیین شده متناسب نباشد، در عمل به کاهش ارزش و اهمیت آن هنجار خواهد انجامید. حال با نگاه به تبصره ماده ۶۳۸ می‌بینیم که دولت برای جرم بی‌حجابی جریمه‌ای ۵ هزار تومانی یا ۱۰ روزه تعیین کرده است. آیا خود این دلیلی بر این نیست مردم هیچ ارزش و اهمیتی به این جرم ندهند. بنابراین به نظر می‌رسد برای اینکه جانب ضمانت اجرایی قانون در مورد این جرم حفظ شود، بهتر است قانونگذار اقدام به افزایش مجازات موجود در تبصره بنماید تا بدین ترتیب بتواند جایگاه ویژه‌ای را در بین مخاطبان این جرم باز کند.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی بغدادی، محمود بن عبدالله. (بی تا) *تفسیر روح المعانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن انس، مالک. (بی تا) *المدينة الكبرى*، مصر: انتشارات السعادة.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد. (۱۳۵۲ق) *المحلی*، قاهره: مکتبه دار التراث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق) *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق) *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- احصائی، ابن ابی جمهور. (۱۴۰۳ق) *عوالی اللالی*، قم: مطبعه سیدالشهداء، چاپ اول.
- احمدی جلفایی، حمید. (۱۳۸۵) *احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت*، قم: انتشارات زائر.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲) *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ و نشر عروج)، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۸۱) *توضیح المسائل حضرت امام خمینی (س)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (چاپ و نشر عروج)، چاپ سوم.
- _____ . (۱۳۷۶) *استفتاآت*، ۳ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جرجانی، ابوالفتح. (۱۳۶۲) *تفسیر شاهی*، تهران: انتشارات نوید.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷) *ترمیمولوژی علم حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دهم.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۲ق) *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۸۶ق) *تاج العروس*، دارالهدایه.
- حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۸۴) *مجموعه قوانین کاربردی (کیفری حقوقی)*، تهران: انتشارات مجد.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۰ق) *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- _____ . (۱۴۱۲ق) *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، به تحقیق بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۶۷ق) *مستند العروه*، قم: منشورات مدرسه دارالعلوم.
- رازی، احمد. (۱۳۸۹) *مقایس اللغه*، مصر: مطبعه البابی الحلبی، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی. (۱۴۰۴ق) *المفردات فی غرائب القرآن*، قم: نشر الکتب، چاپ دوم.

- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله. (۱۴۰۵ق) *فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۲) *شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)*، تهران: انتشارات ققنوس.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق) *کشاف (تفسیر)*، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
- شافعی، محمد بن ادريس. (۱۹۸۳) *لام*، بیروت: انتشارات دارالفکر.
- شامیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱) *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات پاژنگ.
- شرتونی اللبنانی، سعید. (۱۴۰۳ ق) *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳) *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
- شوکانی، محمد بن علی زیدی. (۱۴۱۴ق) *فتح القدیر*، دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، چاپ اول.
- شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی عاملی. (۱۳۷۷) *اللمعه الدمشقیه*، تهران: نشر الهام، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی. (۱۴۱۰ق) *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم: انتشارات داوری، چاپ دوم.
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق) *المبسوط فی فقه الإمامیه*، به تحقیق سید محمد تقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.
- _____ . (۱۴۰۷ق) *الخلاف*، به تحقیق شیخ علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، شیخ مهدی طه نجف و شیخ مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- _____ . (۱۴۰۹ق) *تبیان*، قم: مکتبه العلوم الاسلامی.
- صابونی، محمد علی. (۱۴۰۷) *روایح البیان (تفسیر)*، بیروت: مؤسسه مناهل العرفان، چاپ پنجم.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۰) *احکام بانوان*، قم: انتشارات میثم تمار.
- طباطبایی یزدی، سید کاظم. (۱۴۲۳ق) *العروه الوثقی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۷) *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طباطبایی، سید علی. (۱۴۰۴ق) *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البیت.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۳) *مجمع البیان*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق) *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.

- طریحی، فخر الدین. (۱۴۱۶ق) *مجمع البحرین*، به تحقیق سید احمد حسینی، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- علامه مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق) *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ سوم.
- فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله. (۱۴۱۹ق) *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تحقیق سید محمد قاضی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
- فتاحی زاده، فتحیه. (۱۳۷۸) *حجاب از دیدگاه قرآن و روایات*، قم: نشر بوستان کتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق) *کتاب العین*، قم: منشورات الهجره، چاپ دوم.
- فیض، علیرضا. (۱۳۸۱) *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۳۹۸) *محاسن التأویل*، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۱) *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد. (۱۹۶۷) *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴) *بایسته های حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم.
- محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۷) *المتنبر فی شرح المختصر*، به تحقیق محمد علی حیدری، سید ابو محمد مرتضوی، سید علی موسوی، قم: مؤسسه سید الشهداء، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۷۷) *المختصر النافع (فی فقه الامامیه)* تهران: نشر الهام.
- مروارید، علی اصغر. (۱۹۹۰) *سلسله البیان فی الفقهیه*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰) *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمد جواد. (بی تا) *الفقه فی مذاهب الخمسه*، تهران: نشر تک رنگ.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدۃ البیان فی احکام القرآن*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- نجفی، محمد بن حسن. (۱۳۶۸) *جواهر التکلام فی شرح شرائع الإسلام*، به تحقیق شیخ علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
- یزدی، سید محمد کاظم. (بی تا) *العروه الوثقی*، تهران: المکتب العلمیه الاسلامیه.